

در مسجد و حسینیه چهارده معصوم (ع) مادران فقط شنونده نیستند، مسائلشان را مطرح و راه حل پیدا می کنند

آیین ساختن خانه

چالش های زندگی تصمیم هوشمندانه بگیرند و چطور تلخی ها را تبدیل به گفت و گو کنند.

● ارائه مطالب کاربردی و به روز

معصومه سیدآبادی از مادرانی است که به تازگی به جمع شرکت کنندگان کارگاه های آموزشی مسجد و حسینیه چهارده معصوم (ع) پیوسته است. او تا کنون در پنج جلسه شرکت کرده و به گفته خودش، حضور مستمر در این دوره هایی دلیل نبوده است: «بیان ساده و روان استادان، از دلایل اصلی جذابیت این جلسات است؛ محتوایی که بدون پیچیدگی های مرسوم ارائه می شود و در عین حال به مسائل ملموس و روزمره خانواده های پردازد.»

سیدآبادی باور دارد که تفاوت این کارگاه ها با برنامه های مشابه، در نکات به روز و کاربردی آن است؛ نکاتی که از دل زندگی واقعی می آیند، نه صرفاً از متون نظری.

او پیش از این تصور می کرد دوره های همسرداری تنها مجموعه ای از توصیه های کلی و تکراری هستند، اما تجربه حضور در این جلسات نگاهش را تغییر داده است: «اینجا صحبت از مهارت هایی است که کمتر در جایی آموزش داده می شود؛ مهارت هایی برای همسر بودن، برای مادر بودن، و برای ساختن فضای آرام تر در خانه.»

تأکید می کند که طی همین پنج جلسه، مطالبی آموخته است که نه تنها آرامش بیشتری در رفتار او ایجاد کرده، بلکه در بهبود روابط خانوادگی اش نیز مؤثر بوده است.

در همسران بود. همین شد که ایده کارگاه های آموزشی «آیین همسرداری» اینجا شکل گرفت.

● تلخی هایی که شیرین می شوند

شش ماهی می شود که جلسات آموزشی با حضور او و حجت الاسلام مصطفی باغبان بجستانی، یکی از کارشناسان خانواده برگزار می شود. از پنج مادر شروع شد و حالا، سی نفر گوشه حسینیه کنار هم می نشینند و در حال آموختن چهارده رکن همسرداری هستند. صفرزاده از جلسات کاربردی شان بیشتر برایمان می گوید: به این نتیجه رسیده ایم که کارگاه های آموزشی با نمونه مشکلاتی که خود همسران مطرح می کنند، خروجی بهتری دارند. بانوان مهارت حل مسئله را بهتر یاد می گیرند، مادرهای یاد می گیرند چطور در برابر

محمد رضا فیضی | در دل کوچه پس کوچه های محله شهید قربانی، مسجد و حسینیه چهارده معصوم (ع) فقط یک مسجد نیست؛ پناهی است برای دل هایی که گاهی زیر فشار روزمرگی و اختلافات خانوادگی خم می شوند. اینجا جایی است که حجت الاسلام و المسلمین جواد صفرزاده، نه فقط امام جماعت، بلکه شنونده و راهنمای مادرانی است که آمده اند تا خانه هایشان را از نویساند و حال و هوای آینده زندگی مشترکشان را خوب کنند. همین دغدغه ها بود که جرقه برگزاری دوره های آیین همسرداری را زد؛ جلسه هایی که علاوه بر دادن آموزش، تبدیل شده اند به فرصتی برای بازسازی رابطه ها. در این مسجد و حسینیه، ستون خانه ها با آموختن مهارت گفت و گو قد می کشد.

● نمایان شدن گره های خانوادگی

در مسجد و حسینیه چهارده معصوم (ع) محله شهید قربانی، جایی میان زمزمه دعاها، مادران، حجت الاسلام جواد صفرزاده کاری را آغاز کرده که به قول خودش «طعم زندگی را عوض می کند.» او که سطح سه حوزه علمیه در رشته علوم و اخلاق اسلامی را پشت سر گذاشته، از اجتماع کوچه کچک اما بسیار مهم خانواده شروع کرده است. می گوید: در هر خانه، مادر رکن است و پدر ستون. اگر مادر تربیت را بلد باشد، خانه نمی لرزد و آینده اش تضمین است. ما چرا از تربیت فرزند شروع شد، اما کم کم گره های زندگی مادرهای یکی نمایان شد؛ گره هایی که ریشه اش نه در بچه ها، بلکه



نوجوان محله بلال به عنوان کمک مربی چرتکه، مشغول به تدریس است

در چرتکه، پشتکار حرف اول را می زند



امید محله

● رشته دیگری هم بوده است که تا

نیمه راه ادامه بدهی؟

بله، ژیمناستیک را در مهد کودک یاد گرفتیم و ادامه ندادم. کاراته را هم همین طور چون فقط هفت سال داشتم و از مبارزه می ترسیدم. کونگ فو را هم به خاطر درس و مدرسه رها کردم، قبل از اینکه به شال بند و مسابقات برسم.

● از مسابقه چرتکه تعریف کن.

آن روز متأسفانه پدر و مادر من نتوانستند همراهم بیایند و بامربی ام به محل امتحان رفتم. استرس داشتم. حدود ۸ شرکت کننده شاید هم بیشتر، آنجا بودند. در مدت بیست دقیقه باید به ۱۵ سوال جواب می دادیم. همه اش جمع، تفریق، جذر، تقسیم و توان بود. من حدود ۹۰ سوال را جواب دادم. همان جامدتی را منتظر ماندیم تا برگه هایمان تصحیح شود و از پشت بلندگو اعلام کردند که نفر اول شده ام.

● چه حسی داشتی؟

باور نمی کردم. نمی دانستم با این همه خوشحالی باید چه کار کنم. به خانه که رفتم، به شوخی به مادرم گفتم که قبول نشده ام؛ بعد غافلگیرش کردم و گفتم اول شده ام. از خوشحالی گریه کرد.

● یادگرفتن چرتکه چه تأثیری در درس ریاضیات داشته است؟

سؤالات را سریع تر و راحت تر حل می کنم.

● با مدرک فارغ التحصیلی دوره چرتکه که از مؤسسه ضریح آفتاب گرفته ای، همچنین افتخاری که به دست آورده ای، چه می کنی؟

قرار است امسال تابستان در مؤسسه ای دیگر که اطراف میدان راهنمایی است، به عنوان کمک مربی، درس بدهم و درآمد داشته باشم. تابستان پارسال هم کنار مربی ام تدریس را تجربه کردم.

● به نظرت موفقیت در چرتکه به چه ویژگی هایی نیاز دارد؟

بیشتر از همه باید علاقه داشته باشی و تلاش کنی. این طور نیست که کسی بخواهد موفق شود اما نتواند.

علاقه مند شدم. الان که به عقب نگاه می کنم از اصرارهای مادرم راضی هستم؛ چون چرتکه تنها راهی بود که تا آخرش رفتم و از اینکه نیمه کاره رهاش نکردم، خوشحالم.



● یادگرفتن چرتکه را کی و چطور شروع کردی؟

از کلاس سوم ابتدایی زیر نظر خانم آمنه کاردان مقدم که از دوستان مادرم هستند، شروع کردم. ایشان چرتکه را به صورت حرفه ای یاد می دهند.

● از علاقه ات به این مهارت بگو.

راستش با اینکه ریاضی ام خوب بود، شرکت در کلاس چرتکه، به پیشنهاد مادرم بود. نه علاقه خودم، طوری که آن اوایل چندان حوصله ادامه دادن نداشتم و درس هایش برایم سخت بود.

● این آموزش ها چقدر طول کشید؟

دوازده ترم بود و من مدرک آخرین ترم را سال ۱۴۰۲ از مؤسسه اندیشه برتر گرفتم. در این مدت، هفته ای سه بار در کلاس آموزشی شرکت می کردم. هر جلسه بین یک تا یک و نیم ساعت طول می کشید و گاهی واقعا خسته می شدم.

● با این حساب، چرا ادامه دادی؟

دلیل اصلی اش اصرار و تشویق مادرم بود و به مرور زمان،